



بررسی تاتو به عنوان هنر در ساختار فرهنگی و اجتماعی معاصر

عارفه صرامی*

چکیده

یکی از کنش‌های فرهنگی و اجتماعی رایج در میان مردم جهان چه در دوره معاصر و چه در دوران گذشته، ایجاد نقش روی بدن است. به انواع مختلف این رفتار اجتماعی تاتو، خالکوبی و نقاشی روی بدن می‌گویند. اگر بپذیریم که ایجاد نقوش بر بدن با دیدی زیبایی‌شناختی هنر است، پس می‌توان با رویکرد انسان‌شناسی هنر آن را با توجه به ساختار فرهنگی و محیطی هر جامعه و با در نظر گرفتن فشارها و محدودیت‌های آن بررسی کرد.

این پژوهش کوشیده شده است در راستای ایجاد دیدی بازتر نسبت به تاتو کردن در جامعه معاصر خود با بهره‌گیری از روش‌شناسی توصیفی تحلیلی فرانتس بوآس در انسان‌شناسی هنر، پس از بررسی مشخصه‌های زیبایی‌شناختی به جستجوی معنا از منظر هنرمند و مخاطب این هنر بپردازد؛ و با در نظر گرفتن ویژگی‌های جهانی مشترک در این هنر و حرفه، آن را در ساختار فرهنگی و اجتماعی ویژه خود که سبب ایجاد ویژگی‌های سبکی خاص شده است، مورد مطالعه قرار دهد. هدف این پژوهش بررسی دو نکته در حوزه انسان‌شناسی هنر، درباره تاتو است؛ نخست آن که ویژگی‌های زیبایی‌شناختی معمول در نظریه‌های هنری تا چه اندازه درباره تاتو قابل دریافت است؟ و سپس با مدنظر قرار دادن این موضوع که تاتو علاوه بر ویژگی‌های زیبایی‌شناختی، وابستگی‌های فرهنگی و اجتماعی ویژه‌ای نیز دارد، به بررسی کارکردهای تاتو در ساختار فرهنگی و اجتماعی معاصر خواهد پرداخت. بنابر پژوهش حاضر نقوش تاتو و ایجاد آنها بر بدن ضمن برخوردار بودن از ارزش زیبایی‌شناختی و ویژگی‌های تزیینی در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای چون ایران، می‌تواند برآمده از تمایلات فردی چون تمایل به زیبایی باشد و مهم‌تر آن که، دارای معنای نمادینی است که از مناسبات اجتماعی چون تمایلات گروهی و آیینی و بافت فرهنگی و تاریخی ویژه آن جامعه تأثیر پذیرفته و بر آنها تأثیر می‌گذارد.

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

همه رفتارهای انسانی از خوردن و خوابیدن تا خالکوبی و سوراخ کردن پوست، از خلال بدنمندی انسان در اجتماع معنا می‌یابد. ممکن نیست بتوانیم از یک انسان سخن بگوییم بدون آن که ابتدا فرض بگیریم چنین انسانی دارای بدنی محسوس و دارای حساسیت‌های خود باشد. مرلوپونتی نیز در این باره می‌گفت: بدن، ابزار عام ادراک جهان است.

بدن را باید محوری دانست که امکان درک نسبت با جهان را به وسیله انسان ممکن می‌کند. رابطه تنگاتنگی که بدن همواره با جهان دارد، راه را برای انسان در جهان باز کرده و جهان را پذیرای او می‌سازد (لوبروتون، ۱۳۹۲: ۸). وجود انسان به جهان باز و گشوده است. انسان از رهگذر بدن، ذات حیات را از آن خود می‌کند و این ذات را از طریق ارزش‌های نمادین مشترک خود با دیگران که این ارزش‌ها را درک می‌کنند، به بیان درمی‌آورد.

نشانه‌گذاری اجتماعی و فرهنگی بدن می‌تواند از خلال نوشتار مستقیم جامعه بر پوست انجام بگیرد. این عمل به شکل نوعی کندن، زخم‌زدن، تغییر شکل یا افزودن چیزی به پوست ممکن است. شکل دادن‌های نمادین امری نسبتاً رایج در جوامع انسانی به حساب می‌آید: بریدن آیینی تکه‌ای از بدن، نشانه‌گذاری در عمق پوست، نوشتار پوستی به شکل خالکوبی‌های همیشگی یا موقت، آرایش و غیره، تغییر شکل دادن‌های کلی بدن (کشیدن حجمه، تغییر شکل پاها)، (Parry, 2006: 6-8). تغییرات دائمی و یا موقت^۱ اعمال شده روی بدن بنابر دلایل پزشکی و غیرپزشکی انجام می‌گیرد. یکی از روش‌های ایجاد تغییرات ظاهری در بدن، خالکوبی است. این تغییرات در اجتماعات معاصر کاربرد فراوانی دارد: ایجاد علائم و نمادهای اجتماعی، فرقه‌های مانند فرقه‌های تبهکاری، نژادپرستان؛ مناسک گذرا (بلوغ و یا ازدواج) مانند آرایش صورت و ابرو و یا گذاشتن خال قرمز رنگ در پیشانی بعد از ازدواج (در هند) و مجازات‌های بدنی مانند نشان کردن محکومین با خالکوبی‌های خاص (Cuyper, 2010: 36). این کنش‌های اجتماعی و فرهنگی با خطراتی همراه است که متأسفانه بیشتر کسانی که حرفه‌ای در رابطه با تاتو دارند و نیز، متقاضیان این هنرها معمولاً از خطرات و پیامدهای بعدی آن، آگاه نیستند. بیشترین این خطرات شامل عفونت‌های شدید بدنی، انواع آلرژی و تغییر حالت آن قسمت از بدن است.

این نوشتارهای بدنی، که کارکردهای متفاوتی را بنابر جوامع مختلف بر دوش دارند، ابزارهایی برای جذابیت هستند اما اغلب هنوز نوعی مناسک ایجاد تعلق یا جدایی به حساب

می‌روند. این ابزارها سبب پیوستن نمادین انسان به یک جماعت، یک طایفه و غیره می‌شوند. همچنین، سبب جدایی او از طبیعت محیطش می‌شود. این ابزارها، انسان را با قراردادادن در جایگاه اجتماعی‌اش در جهان، انسان می‌کنند. برای نمونه، بافیه‌های آفریقایی غربی معتقدند بدون زخم‌هایی که بر بدن خود وارد می‌کنند از حیوانات جنگل قابل تشخیص نیستند. این نوشتارها گاه یادآور ارزش‌های جامعه و جایگاه مشروع هر کس در ساختار اجتماعی است (لوبروتون، ۱۳۹۲: ۸۹-۸۷). گرچه به نظر می‌رسد، در جوامع امروزی بسیاری از این تغییر شکل‌های بدن وجود ندارد و یا کارکرد قبلی خود را ازدست داده‌اند؛ اما در میان همین نمونه‌های کاهش‌یافته هنوز هم انواع تاتو و خالکوبی و یا آرایش جایگاه خاصی در میان انسان‌ها دارد.

واژه تاتو و خالکوبی مترادف با یکدیگر نیستند. تاتو، نقش کردن تصاویر بر بدن است. واژه تاتو^۲ در ابتدا و در فرهنگ ریشه‌شناسی انگلیسی چمبرز به معنی خالکوبی یا نقش کردن تصاویری بر پوست تن آورده شده و معادل مفهومی نشان و داغ^۳ است. همچنین اشاره شده که این واژه احتمالاً از تکرار واژه تتو^۴ در زبان مردمان جزایر پولینزی به وجود آمده است. راه‌های مختلفی برای نقش کردن تصاویر بر بدن یا تاتو وجود دارد که خالکوبی یکی از این روش‌هاست. عمل تاتو کردن و واژه تاتو موضوع پژوهش بسیاری از ریشه‌شناسان قرار گرفته است؛ در میان آنها برخی ریشه آن را به طبل^۵ ارجاع می‌دهند و برخی آن را واژه‌ای برگرفته از ریشه هلندی به معنای شلیک سریع مواد یا توپ به خمیر چوبی در میخانه در شب^۶ می‌دانند. دیگر تعریف این واژه، به سفر کاپیتان کوک به تاهیتی و اینکه در آنجا از تاتو^۷ برای نشانه‌گذاری پوست با رنگ استفاده می‌شده است، بازمی‌گردد (Cuyper, 2010: 30). در لغت‌نامه دهخدا تاتو مقابل واژه خالکوبی آمده است و «عملی است که بدان بشره آدمی را نگارین کنند، بصور گل‌ها و یا حیوان و یا حروف. و آن به وسیله آجیدن بشره با سوزن و نیل پاشیدن بجای آجده باشد. معادل این کلمه «کبودزدن» و کلمه عربی «وشم» است». کلمه وشم این‌گونه معنی شده است: «تغییر رنگ پوست بدن از ضربه و سقطه؛ خالکوبی کردن. خال و خط کوبیدن در دست و تن. فعل آن از باب ضرب است».

در این مقاله پس از بیان تاریخچه‌ای درباره تاتو، با به‌کارگیری روش و نظریات فرانتس بوآس^۸ در انسان‌شناسی هنر کوشیده شده است تا علاوه بر آن که مطابق با این روش به توضیح ویژگی‌های صوری و ارزش‌های زیبایی‌شناختی هنر تاتو بپردازیم، برخی کارکردهای این هنر را در ساختار فرهنگی و اجتماعی

جامعه ایران بررسی کنیم. همچنین پیش از تحلیل براساس این روش، بخشی از ترجمه‌های منابع مختلف درباره موضوع تاتو و قرار گرفتن آن در گستره هنر را با افزودن یادداشت‌هایی درباره این که آیا تاتو هنر است، آورده‌ایم. بنابراین پژوهش حاضر در بخش تاتو و هنر؛ آیا تاتو هنر است؟، بیشتر مبتنی بر ترجمه آثار منتشر شده در قالب کتاب‌هایی درباره تاتو است. اهمیت پرداختن به این موضوع در این است که از یک سو رواج تاتو به‌عنوان هنر - حرفه در جامعه معاصر ایران، به‌ویژه در میان جوانان انکارناپذیر است و از سوی دیگر، پژوهش درباره تاتو مطابق با منابع موجود بیشتر در حوزه مطالعات غربی قرار گرفته است، درحالی که این هنر نیز مانند بسیاری از هنرهای دیگر دارای ویژگی‌های منطقه‌ای و فرهنگی خاص هر اجتماع است. بنابراین، هدف ما در این پژوهش پاسخ به دو پرسش اساسی در حوزه انسان‌شناسی هنر، درباره تاتو است: اولاً ویژگی‌های زیبایی‌شناختی معمول برای هنر تا چه اندازه درباره تاتو قابل دریافت است؟ ثانیاً با مدنظر قراردادن این موضوع که تاتو علاوه بر ویژگی‌های زیبایی‌شناختی، وابستگی‌های فرهنگی و اجتماعی دارد، به بررسی تاتو در ساختار فرهنگی و اجتماعی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده درباره تاتو به چند دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای از این پژوهش‌ها با پیش‌روی قراردادن رویکردی صرفاً توصیفی، به تعریف و دسته‌بندی نقوش و طرح‌های موردنظر در این هنر - حرفه می‌پردازند. شایان ذکر است که این توصیفات بیشتر در میان مطالعات غیرایرانی درباره تاتو شکل گرفته است. در نمونه‌ای از این مطالعات، کتاب "رازهای درونی نمای برجسته و روبه‌رشد و تاتوی همیشگی"^{۱۰} در پاسخ به برخی پرسش‌های اساسی در زمینه طرح‌ها و اجرای این هنر و هدف از این کار در میان افراد مختلف می‌پردازد. این کتاب با اشاره به موضوع همیشگی بودن تاتو سؤالاتی از افراد را مطرح می‌نماید تا از نقش‌های انتخابی خود اطمینان حاصل کنند. دسته‌ای دیگر از این پژوهش‌ها در حوزه آسیب‌شناسی بیماری‌های پوستی هنرهای وابسته به بدن تاتو را نیز در میان این هنرها مطرح می‌کند. کتاب "بیماری‌های پوستی هنرهای وابسته به بدن"^{۱۱} در سه بخش: تاتو، آرایش‌های دائمی و سوراخ کردن بدن تنظیم شده است؛ در هر بخش پس از بررسی تاریخ و فراگیری هر یک از این هنرها در میان مردم فنون و ابزارهای ایجاد و رفع این آثار و خطرهای پیش‌رو در این هنر بررسی شده است. دسته سوم از این پژوهش‌ها به معرفی و بحث درباره ریشه‌های فرهنگی

و اجتماعی تاتو می‌پردازد. کتاب "فرایند تغییر بدن: هنر و فرهنگ تاتو"^{۱۲} درباره معرفی و بحث درباره جهان اجتماعی تاتو، جایگاه افراد تاتو کرده، تاتو به‌عنوان راهی برای کسب درآمد در جامعه و همچنین تاتو و تعاریف اجتماعی این هنر است. نتیجه پژوهش یادشده، بر این نکته تأکید می‌کند که جهان اجتماعی تاتو حول مرکز محصولات منحصر به فرد فرهنگی این هنر شکل می‌گیرد؛ آن‌گونه که اشیای تولیدی در بافت روابط متقابل اقتصادی یک فرهنگ شکل می‌گیرد. این کتاب علاوه بر بررسی ارتباط تاتو با کج رفتاری‌های فردی، ویژگی‌های اجتماعی تاتو را نیز توضیح می‌دهد چرا که تاتو معمولاً دارای ویژگی‌هایی است که بسیاری از خصوصیات دیگر کنش‌های فرهنگی را به‌صورت هنر نمایش می‌دهد. در پژوهش دیگری، نویسنده با پرداختن به ویژگی‌های تزییناتی چون تاتو به‌ویژه در میان زنان و با اشاره به ویژگی‌های فرهنگی تاتو، این تغییر حالت در بدن را نمونه‌ای از تغییرات دائمی بدن برمی‌شمارد.^{۱۳} پژوهش مذکور، تاتو را برآورنده سه هدف کلی به‌عنوان کنشی در فرهنگ‌های غیرغربی می‌داند. یکی از این اهداف مرتبط با کنش‌های دینی و آیینی است، دیگری تاتو کردن برای شناخت اعضای وابسته به گروهی با کنش‌ها و مهارت‌های مشترک است و سومین، کارکرد اصلی تاتو در فرهنگ‌های قبیله‌ای و ویژگی حفاظتی و جادویی آن است. در بخش زن و تاتو در این مقاله نیز موضوع موردنظر نقوش پرتلفدار و تفاوت‌های انتخاب نقوش در میان زنان و مردان است. مطالعات روشمند و نظریه‌محور در این حوزه بیشتر در مواردی اتفاق می‌افتد که تاتو یک کنش اجتماعی با سبک و سیاق فرهنگی و تاریخی ویژه‌اش فراتر از توصیفات دقیق و نمادشناسی‌های صرف، موضوع کار مردم‌شناسان قرار می‌گیرد. فعالیت‌های پژوهشی مردم‌شناسانی چون فرانتس بوآس در این باره، تاتو را نمونه‌ای از کنش‌های آیینی و تظاهرات هنری در جوامع ابتدایی در نظر می‌گیرد که مراحل گسترش و تحول را در زمینه‌های تکنیکی و فرهنگی پشت سر می‌گذارد. مطالعات روش‌شناختی علمی در این حوزه علی‌رغم حضور چندین و چندساله در پژوهش‌های غیرایرانی، هنوز در کشور ما درباره تاتو جای نگرفته است. بنابراین، این پژوهش پس از بیان تاریخچه‌ای از این هنر در جهان و باتوجه به ویژگی‌های زمینه‌ای این هنر - حرفه در جامعه معاصر ایران با روش بوآس در انسان‌شناسی هنر، ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و نقش آن را در ساختار اجتماعی جامعه بررسی می‌کند.

تاریخچه تاتو

در طول هزاران سال، فرهنگ‌های گوناگون وجود تغییر شکل فیزیکی بدن را به‌طور ثابت و همیشگی و یا موقت به‌علت ایجاد معنای نمادین و رمزی در روند تعاملات اجتماعی گاه روا می‌دانستند و گاه محکوم می‌کردند. ایجاد تغییرات موقت چون مدل مو، لباس پوشیدن، آرایش خاص و دیگر صورت‌های ناپایدار، به‌طور معمول برای شناخت شخصیت فردی در موقعیتی خاص و ناپایدار است. در واقع، این گسیختگی و برهم‌زدن روند معمول وضع و حالت انسانی گاهی فرد را به‌عنوان عضوی از یک زیرگروه خاص اجتماعی قرار می‌دهد (Sanders, 1991:147). این گفته تنها در مواقعی که این صورت‌های ناپایدار تولید معناهای نابه‌نجاری در یک جامعه می‌کنند، صدق نمی‌کند؛ گاهی حتی تغییر پوشش افراد برای شرکت در مراسم مذهبی و ورود به اماکن مقدس که موافق هنجارهای آن اجتماع است، آنها را عضوی از گروهی آیینی و دینی قرار می‌دهد.

زنان در فرهنگ ما و در دیگر فرهنگ‌ها از آرایش کردن برای تأکید کردن و بالابردن زیبایی خود و تأثیرگذاری بر اطرافیان از طریق افزایش اعتمادبه‌نفس خود، استفاده می‌کنند (ibid: 148)؛ گرچه، این رفتارها گاه با فعالیت روزانه آنها محدود می‌شود. این درحالی است که مردان بر جنبه نمادین این آرایش‌ها تأکید بیشتری دارند؛ نقوشی را بیشتر برای خالکوبی یا تاتو انتخاب می‌کنند که حامل معنای رمزی و نمادین بیشتری باشد.

هنگامی که با زنان و مردانی که آرایش خاص و گاه متفاوتی را در جامعه انتخاب کرده‌اند، صحبت می‌کنیم زنان در ابتدای سخن خود به وجه زیبایی آنها اشاره می‌کنند، حال آنکه مردان، شروع به توصیف نقطه ارجاعات این نقوش می‌کنند و جنبه نمادین آنها را در نظر می‌گیرند. فرانتس بوآس نیز در پژوهش‌های خود در سواحل غربی اقیانوس آرام، در بیان تمایزهای میان هنر معنادار (نمادین) و هنرهای حامل ذوق و قریحه تزئینی، اولی را مردانه و دومی را زنانه می‌داند. آشکار است که تغییرات همیشگی و ثابت بدن حامل رمز و نماد بیشتری است چراکه وضعیت اجتماعی فرد را در طول زندگی او تحت تأثیر قرار می‌دهد. در اغلب بافت‌های فرهنگی سوراخ کردن، ایجاد زخم، تاتو و تندیسگری از اندام انسانی از جمله تغییرات پایدار از شناخت اجتماعی افراد است که گاه با مراسم آیینی همراه است (ibid: 1-3). در میان اقوام ابتدایی گاه برای ورود به مرحله‌ای از زندگی و گاه برای درمان بیماری‌ها (حس درد) از این رفتارها و تغییرات استفاده می‌شده است. برای مثال، پاهای و دست‌های زنان برنئویی^{۱۳} به‌صورت بسیار آراسته‌ای با طرح حیوانات سنتی تاتو می‌شود.

همان‌طور که بیان شد، خالکوبی یا تاتو و نقاشی روی بدن و به‌طور کلی ایجاد نقوش بر بدن گرچه هر کدام مترادف‌های خوبی برای هم نیستند ولی سال‌ها در فرهنگ‌ها و در میان اکثر قریب به اتفاق ملل دنیا مرسوم بوده است و هنوز هم رواج دارد. قرن‌ها پیش افراد یک قبیله، علائم مختلف و نمادهای ویژه‌ای را برای شناخته‌شدن و تمایز از افراد دیگر قبیله‌ها به‌کار می‌بردند. از جمله این موارد نوع پوشش، آرایش‌های ویژه و استفاده از انواع خالکوبی‌ها بود. این نمادها را بزرگان قبیله انتخاب می‌کردند و افراد ملزم به استفاده از آنها بودند (سامانی، ۱۳۸۹).

قدیمی‌ترین جنازه‌ای که آثار خالکوبی روی بدنش دیده می‌شود، انسانی است که ۵۳۰۰ سال پیش در دوره نوسنگی زندگی می‌کرده است. این مرد، ۱۴ ساله بود. دو خط به رنگ آبی فیروزه‌ای که در امتداد ستون فقرات به موازات هم ادامه می‌یابد و چند خط و اشکال مدور بر روی کمر و ساق پا و نقشی شبیه یک صلیب کوچک بر زانوی پای راست، از خالکوبی‌های یافت‌شده بر روی بدن اوتسی است. همچنین، در جنازه مومیایی‌های مصری اشکال متنوعی از خالکوبی‌ها وجود دارد. مانند خالکوبی‌های انجام‌شده در دستان یکی از کاهنین زن که آمونت^{۱۵} نام داشته و ۴۰۰۰ سال پیش در مصر زندگی می‌کرده است (Parry, 2006: 12)، (تصویر ۱). لوح سنگی حاوی قوانین حمورابی که در منطقه شوش یافت شده، قدیمی‌ترین سندی است که در خصوص خالکوبی وجود دارد. در یکی از بندهای قانون حمورابی آمده است؛ اگر کسی بدون اجازه مالک و ارباب خود، خال یا علامتی را بر بدن برده‌ای به‌نحوی که مانع از فروش او شود، خالکوبی نماید باید انگشتان فرد خالکوب قطع گردد. همچنین به موجب ماده ۲۲۷، اگر فرد خالکوب فریب خورده و علامت نبخشیدنی و نفروختنی را بر بدن برده متعلق به دیگری خالکوبی کند، باید سوگند یاد نماید که این عمل را عمداً انجام نداده تا تبرئه شده و مجازاتی که به فریبکار تعلق می‌گیرد، درباره او اجرا نشود (سامانی، ۱۳۸۹). در زمان‌های بسیار قدیم خالکوبی امری آیینی بود. در برخی زمان‌ها این روش برای نشان کردن افرادی به‌کار گرفته



تصویر ۱. خالکوبی دست آمونت (سامانی، ۱۳۸۹)

ابزار و روش‌های فنی، عناصر مشخص و چگونگی پیوند این عناصر بایکدیگر است که به هر سبک ویژگی خاص می‌بخشد و هر سبک در ارتباط با اشکال و فنون موجود در مناطق همسایه است که می‌تواند توسعه یابد. در نتیجه هر سبک در بافت و متن محافظه‌کارانه ملازم با هر جامعه توسعه می‌یابد (همان: ۳۳ و ۳۴).

بوآس علاوه بر اشاره به ارزش زیبایی‌شناختی متفاوت در زمینه‌های فرهنگی گوناگون، این نکته را نیز پیش چشم دارد که میان مهارت اجرایی و احساس زیبایی رابطه نزدیکی وجود دارد. از نظر وی، حرکات موزون بدن یا اشیاء، اشکال جالب توجه، طنین ملایم صدا و شیوه آرام صحبت کردن نوعی تولید هنری محسوب می‌شود. از یک سو هنگامی که تسلط بر اجرای ترتیب فنون به حدی برسد که سرانجام به تولید اشکال مشخص منتهی شود، می‌گوییم اثر هنری به وجود آمده است؛ و از سوی دیگر، تعیین مرز دقیق بین اشکال هنری و شبه هنری بسیار مشکل است، زیرا تعیین دقیق و مشخص نقطه شروع رفتارهای زیبایی‌شناختی غیرممکن است (کتاک، ۱۳۸۶: ۷۱۲؛ بوآس، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۵).

بوآس تعدادی از ویژگی‌های صوری فعالیت‌های زیبایی‌شناختی را این‌گونه شناسایی کرد: نظم، تقارن و آهنگ. وی می‌گوید که در آثار بومیان شلختگی دیده نمی‌شود و باتوجه به نمونه‌های گوناگون، می‌توان دریافت که عدم مهارت و تسلط بر اجرای فن، نظم ظاهری را از بین می‌برد (بوآس، ۱۳۹۱: ۷۳). از دیگر مشخصه‌های قابل مشاهده در هنر تمامی ادوار و اقوام، تقارن است. این تقارن در ساده‌ترین شکل‌های تزئینی دیده می‌شود. دلایل اصلی استفاده وسیع از شکل‌های متقارن به درستی روشن نیست. بوآس بیشتر عناصر متقارن را در گروه تقارن‌های پیرامون محور عمودی و به‌ندرت در گروه تقارن‌های پیرامون محور افقی جای می‌دهد. همچنین در بیشتر شکل‌های مدور، از قطر شکل برای محور تقارن استفاده می‌شود (همان: ۸۵-۸۹). این اندیشمند، پدیده آهنگ را با بهره‌گیری از روش شماره‌گذاری عددی یا حروفی در هنر تزئینی معرفی کرده است، به‌گونه‌ای که می‌توان شکل و شیوه نوع ترکیب و به‌خصوص نحوه آمیختن عناصر تشکیل‌دهنده هنر تزئینی را تشریح کرد. او به این موضوع اشاره می‌نماید که حرکات منظم سبب ایجاد سطح یکنواخت می‌شود، این کار به تکرار منظم و آهنگین همان نقش‌مایه‌ها می‌انجامد. گاه توالی آهنگ نقش‌مایه‌ها، دو آهنگ متمایز یکی برای شکل‌ها و دیگری برای رنگ‌هاست. شکل‌های تکرار شونده در اکثر مواقع به صورت

می‌شده که به فرقه یا آیین و مذهبی خاص گرایش داشتند. مصری‌ها، گت‌ها و یونانی‌ها بر بدن بردگان، زندانیان و اسیران خود علائم خاصی خالکوبی می‌کردند تا در موقع ضروری بتوانند آنها را شناسایی کنند. آلمان‌ها در امپراتوری سوم یهودی‌ها و همجنس‌گرایان را خالکوبی می‌کردند. مسیحیان نام عیسی مسیح یا نشانه‌های مذهبی مانند ستاره، صلیب و ماهی را بر پیشانی یا بازو یا ساعد خالکوبی می‌کردند و با این تمهید، مؤمن بودن خود را به آیین مسیحیت به اثبات می‌رساندند. جنگجویان صلیبی گمان می‌کردند اگر نقش صلیب را روی پوست تن‌شان خالکوبی نکنند و در جنگ با مسلمانان کشته شوند، هرگز به آرامش ابدی دست نخواهند یافت. ملوانان، خیابان‌گردها، ولگردها، سربازان اس‌اس، لژیونرهای فرانسوی، گروه‌های پانکی گروه‌های مجرمانه^{۱۶} و اعضای باند مافیایی یا کوزا با خالکوبی خود را از دیگران ممتاز می‌کردند و نشان می‌دادند، به عضویت دائم این گروه‌ها درآمده‌اند (در این گروه‌ها اغلب نقوش خفاش، عقاب، عقرب و مار به‌عنوان سمبل گروه مربوط خالکوبی می‌شد). به همین دلیل است که زنان هندی از قرن‌ها پیش روی پیشانی‌شان خال می‌کاشتند (سامانی، ۱۳۸۹).

در حدود ۱۵۰ سال قبل، خالکوبی تزئینی^{۱۷} در ژاپن رواج پیدا کرد. در خالکوبی ایرزومی از نقوش داستان‌های دزدان و یاغیان و اساطیر آسیای کهن و چین استفاده می‌شود. پیشینه این افسانه‌ها به قرن چهاردهم میلادی می‌رسد. مهم‌ترین نقش‌ها در اسلوب ایرزومی ازدها، شکوفه‌های گیلاس، ببر، پلنگ و میمون است. این نقش‌ها باید به‌گونه‌ای در کنار هم بیایند که با روح جهان اساطیری و افسانه‌های ژاپنی مطابقت داشته باشند. یکی از معروف‌ترین هنرمندان امروزی که با خالکوبی به شهرت رسید، تام لیپارد^{۱۸} نام دارد. تام لیپارد نقش پوست پلنگ را بر بدنش خالکوبی کرده است. تنها یک‌دهم درصد بدن این شخص خالکوبی نشده و از این نظر، رکورددار جهان است (همان).

الگوی نظری و روش

در این نوشته، از الگوی نظری توصیفی-تحلیلی بر ویژگی‌های هنر ابتدایی فرانتس بوآس مردم‌شناس آلمانی تبار استفاده شده است. رویکرد بوآس بر پایه دو اصل استوار است: اول آنکه جریان‌های ذهنی همه مردمان امروزی با هر نژاد یا فرهنگ، اساساً یکسان است. دوم آنکه، می‌توان آن را در تمامی پدیده‌هایی همچون رویدادهای تاریخی مشاهده کرد (بوآس، ۱۳۹۱: ۴۳). بوآس به این نکته نیز اشاره می‌کند که در واقع پراکندگی منطقه‌ای

افقی قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده مراحل شکل‌دهی طرح نقش‌مایه‌های ساده‌ای است که به‌صورت ردیفی قرار گرفته‌اند (همان: ۹۷-۱۱۲).

در این نوشته با استفاده از روش و نظریات بوآس سعی شده، پس از بررسی ویژگی‌های صوری و مشخصه‌های فعالیت‌های زیبایی‌شناختی آنچنان که او آنها را شناسایی کرده، معنای نقوش تاتو از منظر هنرمند، که قدر مسلم بین معنای این نقوش و مقصود هنرمند رابطه‌ای اجتناب‌ناپذیر وجود دارد حتی اگر نتوان آن را به طور کامل دریافت، و هم چنین از منظر فردی که این نقوش بر تن او تاتو شده است، بررسی شود، زیرا این فرد هم بوم نقاشی هنرمند و هم اولین مخاطب اثر هنری به‌شمار می‌رود و این هر دو نیز در ارتباط با ساختار فرهنگی اجتماعی خواهند بود.

تاتو و هنر؛ آیا تاتو هنر است؟

هدف ما در این بخش، بررسی برخی آموزه‌های هنر و ملاحظات آنها در رابطه با تاتو است. وقتی به تاتو فکر می‌کنید، تاتو تصویری است که بر سطحی نمایش داده شده است، درحالی‌که نقاشی‌های هنرمندی همچون *دوینچی* نیز بر روی سطحی چون بوم نمایش داده شده‌اند! اما چه تفاوتی بین آنها وجود دارد؟ تاتو چه هنری به‌شمار می‌رود؟ همواره در میان پژوهشگران هنر و کسانی که کار هنری انجام می‌دهند، اغلب افراد می‌دانند که هنر چیست اما نمی‌توانند آن را تعریف کنند. در نظریه جهان هنر،^{۱۹} هنر پیوندداشتن با هنر جهانی است. چیزی هنر است که بتواند با جهان هنر، تاریخ هنر، سنت هنر و هنرمندان در رابطه باشد. اما آیا تاتو در این نظریه، هنر به‌شمار می‌رود؟ هرگاه ما به موزه هنر، تاریخ هنر و نقد هنر می‌اندیشیم، به‌ندرت و یا شاید هیچ‌گاه تاتو را در ذهن نیاوریم. باوجود موزه تاتو در سانفرانسیسکو، این موزه بسیار نو ظهورتر از آن است که در میان موزه‌های تاریخ هنر به حساب آید. بنابراین باتوجه‌به استانداردهای جهان هنر، تاتو هنر نیست (Arp, 2012: 55)؛ اما نباید فراموش کرد که تاتو در جهان معاصر همواره در حال رشد است و برای هنرمندان مشکل است که تاتو را از حوزه هنر بیرون بدانند. نظریه فرمالیستی^{۲۰} هنر به ما کمک می‌کند تا نمایش تاتو را فارغ از بافت و رابطه با هنرمند و مخاطب و تنها به‌عنوان ایژه هنری مورد بررسی قرار دهیم. مطابق با نظریات فرمالیستی، هنر نتیجه ویژگی‌های فرمی است. شاید تصاویر تاتو از لحاظ برخورداری از ویژگی‌های بصری چون خط و سایه و بعد و پرسپکتیو که در ترکیب با یکدیگر برانگیزاننده عاطفه زیبایی‌شناختی هستند، در نظریات فرمالیستی جای گیرند درواقع، فرمالیست‌ها تاتو را تنها هنر بصری در نظر می‌گیرند

(Ibid: 55-56). اما آیا واقعاً تاتو را می‌توان بدون هرگونه پیوندی با مخاطب، فاعل آن و بافت و نوع جهان‌بینی شخص در نظر گرفت؟ تولستوی در ارائه نظریات بیانی^{۲۱} هنر (اکسپرسیونیسم)، از احساسی جهان‌شمول سخن می‌گوید. احساسی که در ابتدا در هنرمند به‌وجود می‌آید، در کار هنری او بیان می‌شود و به مخاطب انتقال می‌یابد. تاتو در زمینه آموزه‌های اکسپرسیونیستی قوی‌تر عمل کرده است. این واقعیت که تاتو بر بدن شخص امکان افزودن وابستگی و رابطه و بافت را به تصویر ایجاد می‌کند، وجود دارد و بنابراین ایجاد معنا می‌کند. *ارپ* در این باره مثالی آورده است: «دوستی دارم که تصویر زنجیر شکسته‌ای را بر شانه خود تاتو کرده‌است، این تصویر به‌تنهایی شاید معنایی نداشته باشد. اما این فرد این تصویر را دقیقاً بر قسمتی از بدن خود تاتو کرده است که قبلاً توسط همسر او مورد جراحی قرار گرفته است. بنابر این بوم نقاشی (فرد)، معنای عمیق و دقیقی برای کار هنری می‌آورد که چکیده‌ای از احساساتی عمیق را برای مخاطب به همراه دارد.» (ibid: 56)

حال اگر به این موضوع بیان‌دیشیم که تاتو بر روی بدن فرد انجام می‌گیرد و اهمیت این جنبه نسبت به خود طرح و یا نحوه بیان آن بیشتر است، تاتو هنر اجرا^{۲۲} به‌شمار می‌رود نه هنر بصری. برای مثال، در هنر اجرا، خواننده شعر می‌خواند مادامی که می‌رقصد، راه می‌رود و یا صدای خود را تغییر می‌دهد. اکنون که شخص بوم نقاشی در نظر گرفته شده، می‌توان تاتو را هنر اجرا در نظر گرفت؛ هنری که پیوسته در حال حرکت و تغییر است (Arp, 2012: 58, Sanders, 1989: 151). از دلایل مهمی که برای در نظر گرفتن تاتو به‌عنوان هنر اجرا وجود دارد، این است که مثال‌های اندکی از تاتو واقعاً کار هنری اصیل است (Arp, 2012: 59). اکثر نقوش تاتو، نقوش کپی‌شده بر بوم بدن انسان است. اگر تنها موضوع در ارزیابی زیبایی‌شناسانه تصویر باشد، بنابر این پرداختن به تصویر به‌جاست و کار هنری اصیل، کار اولیه است. اکنون می‌توان منطقی به این بحث پرداخت که تصویر طراحی‌شده برای انجام تاتو کار نهایی نیست و تنها پیش‌طرح اولیه است؛ و این سؤال پیش می‌آید که آیا هر بار که این تصویر بر بدن شخصی تاتو می‌شود، تصویری اصیل به‌شمار می‌رود یا کپی است و فقط بر روی بدن اولین شخص اصالت دارد؟ در پاسخ به این پرسش باید در نظر داشته باشیم که هر شخص به‌عنوان بوم تاتو موجودی منحصر به فرد است و نمی‌توان این موضوع را که این فرد، مستقل از دیگری در حال حرکت است و بوم نمایش‌دهنده هنر در هر یک متفاوت است و راهی و روایتی جدا دارد، انکار کرد.

برای نمونه، یک کپی بسیار دقیق از *مونالیزا* را در نظر بگیرید، این تصویر به‌هر حال اصالت کار اولیه را نخواهد

تقارن -

در نقوشی که برای تاتو انتخاب می‌شود همانند یافته‌های بوآس، تقارن بیشتر حول محور عمودی است. برای مثال، نقش پروانه به صورت تخت بر بدن دارای تقارنی کاملاً مشهود است. البته تقارن در نقوش خطی و هندسی نیز اغلب حول محور عمودی است. نکته جالب توجه این است که از آنجایی که بدن، بوم این نقاشی است و بوم در تمامی پاره‌های خود متقارن است و همچنین این نکته که عادت‌های ما براساس حرکت‌های متقارن بدن ما شکل گرفته‌اند، استفاده از الگوهای متقارن تا جایی پیش می‌رود که گاه بر هر دو عضو متقارن دو نقش یکسان ولی مجزا می‌زنند؛ و گاه به صورتی که با قرار گرفتن دو عضو کنار هم برای مثال دو پا، نقش متقارن کامل می‌شود. لازم به اشاره است که امروزه درباره این ویژگی نیز فناوری‌های نوین به مدد انسان آمده‌اند.

از آنجا که، هنر تزئینی متضمن کاربرد الگوهاست، به‌طور مشخص روابط برجسته جزء با جزئی دیگر را به کار می‌گیرد که از تکرار و ترتیب متقارن طرح‌ها به دست می‌آید (جل، ۱۳۹۰: ۱۲۱). در تصویر بال پرنده (3.c)، تقارن دو بال حول محور عمودی بدن دیده می‌شود. در تصویر ماهی‌های روی بدن (3.b) نیز تقارن به وسیله تقارن بدن ایجاد شده است. علاوه بر آن، قرار گرفتن دو قسمت مجزا ولی متقارن بدن در کنار هم، تصویر را کامل می‌کند. در نقش انتزاعی (3.a) نیز تقارن حول محور عمودی کاملاً رعایت شده است.

آهنگ -

در نقوش تاتو پدیده آهنگ که خود هم بر اثر نظم است و هم ایجاد نظم و زیبایی در شکل می‌کند، دیده می‌شود؛ یا در جهت رعایت آن کوشیده می‌شود اما قاعده عامی برای آن وجود ندارد و منطق‌های فرهنگی می‌توانند آن را دستکاری کنند. نقش انتزاعی تصویر (b.4) در میان نقوشی که به نقوش تریبال مشهورند، دیده می‌شود. این نقش، دارای تکرار منظمی است که منجر به آهنگی شده که در تصویر با دوتایی (a,b) نشان داده شده و حول محور دورانی، این آهنگ را برقرار کرده است. در نقش بال پرنده (a.4) که بر کمر فرد تاتو شده



داشت. اما اگر مارسل دوشان برای مونا لیزا سبیل می‌گذارد، کار متفاوتی می‌شود. با آن سبیل لبخند مونا لیزا همان معنا را ندارد، بافت اثر و معنا تغییر کرده است. بنابراین هر تاتو حتی اگر کپی نیز باشد چون بر بدن فردی متفاوت تاتو شده است معنای کاملاً متفاوتی را دارد. به بررسی بیشتر معنا در هنر تاتو در بخش‌های بعدی خواهیم پرداخت. گرچه شاید این برداشت‌ها از تاتو با آموزه‌های فرمالیست مطابقت نداشته باشد، اما تاتو هنری است در حال تغییر و حرکت که بوم نقاشی آن خلق معنا می‌کند و تصاویر به خودی خود برای رساندن معنای دقیق و کامل نقاشی، به تنهایی کافی نیستند.

بنابر آنچه بیان شد، اگر تاتو را اثری هنری در نظر بگیریم که نه فقط در جامعه معاصر ما بلکه در دیگر جوامع امروزی به آن توجه شده و در هر اجتماعی نیز با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص فرهنگی آن و ساختار محیطی به صورت سبک ویژه‌ای در آن اجتماع تعریف می‌شود و معنایی دربردارد، محتمل است که بتوان این روش علمی را برای مطالعه این هنر در جامعه معاصر خود به کار گرفت.

ویژگی‌های صوری در طرح‌ها و نقش‌های تاتو

- نظم

درباره نقوش تاتو آنچه از دوران گذشته همچون نقوش تاتو شده بر بدن کاهنه مصری، آمونت، آمده نظم رعایت شده قابل مشاهده‌ای است که بدون شک نشانه مهارت هنرمند آن بوده، اما از آنجا که این هنر با بدن انسان در ارتباط است و این نقوش همیشگی است، در میان این نقوش، نقوشی وجود دارد که از تنگناهای فن و مهارت هنرمند، منظوم و دقیق بیرون نیامده و فقط به مددگفته هنرمند یا فردی که این نقش را بر تن دارد، می‌توان نقش را شناسایی کرد.

امروزه نیز ایجاد نظم و چیدمان نقوش و ترکیب‌های مختلف در این هنر، افزوده بر مهارت هنرمند از طریق پیشرفت‌های علمی به خدمت هنر درآمده چه در مرحله طراحی و چه در مرحله اجرای نقوش، بر تن اعمال شدنی است. گاهی هم در طرح‌های هندسی و هم در طرح‌های واقع‌گرایانه به استفاده از شابلون برداری بر می‌خوریم (تصویر ۲).



تصویر ۲. نقش فروهر (www.tatooonh.com)

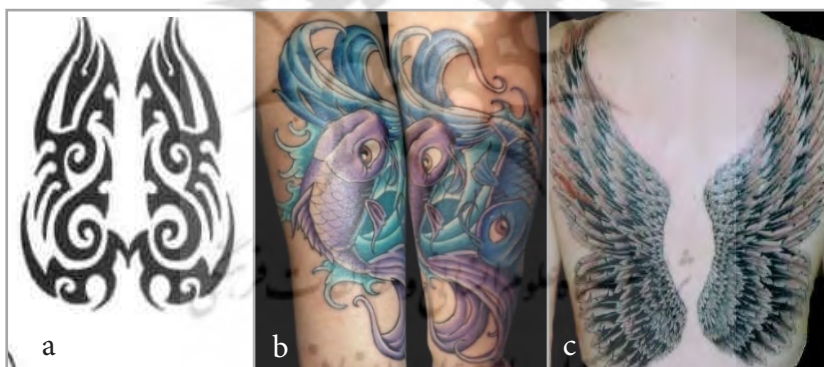
نیز، قطعه‌ای از تصویر با تکرار آهنگین پره‌های پرنده با حروف (a,b) نشان داده است.

یکی دیگر از شیوه‌های رایج تزیین اشیاء، آراستن حاشیه آنهاست. در بیشتر مواقع، انجام این نوع تزیین دلیل فنی دارد. «تزیین ذاتاً کارکردی است، و گرنه حضور آن غیرقابل توضیح است» (جل، ۱۳۹۰: ۱۲۱). گرچه همیشه جبر فنی نیست و استفاده از نقش مایه در حاشیه اشیاء امری اختیاری است که دلیل وجودشان فقط تمایل به ارائه آنهاست. این نوع نقش مایه‌ها به مراتب نادرند و همیشه بسیار تخصصی ارائه می‌شوند. ایجاد طرح‌های حاشیه‌ای گاه با هدف بالابردن ارزش شکلی شیء انجام می‌شود. گاه برای تعیین محدوده‌ها، تعیین فضاهای محیطی حاشیه‌ها ضخیم می‌گردد. اغلب مشاهده می‌شود که نوارهای دربرگیرنده این نقش‌ها به تدریج به فضاهای واقعی تزیینی تبدیل می‌شوند و هم برای محدود کردن فضا و هم برای عامل تزیینی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر سطح خودش تزیین شده باشد، این خطوط یا نوارهای تزیینی کاربرد بیشتری پیدا می‌کنند که تحدید و تعیین فضای تزیین از آن جمله‌اند. در این صورت، هر بخشی از شیء، نوعی محدوده تزیینی مجزا تلقی می‌شود (بوآس، ۱۳۹۱: ۱۲۳-۱۱۸).

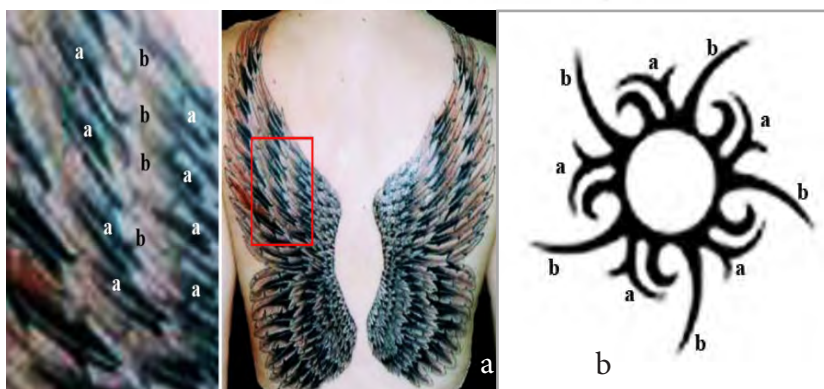
بزرگ‌نمایی طرح حاشیه‌ای بال پروانه که علاوه بر محدود کردن طرح، تزیین نیز شده در تصویر ۵ نشان داده شده است. در نقش تاتوشده یادشده نیز می‌توان از نقطه‌ها و شکل‌هایی که فرم ستاره دارند، به عنوان طرح‌های حاشیه‌ای یاد کرد.

معنا و ارزش‌های نمادین در نقوش تاتو

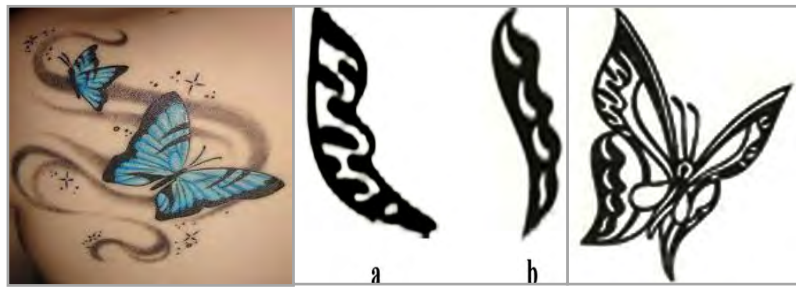
نقوش تزیینی از دلالت‌های اجتماعی، هویتی و زیبایی برخوردارند و برای همه نقوش نباید در پی معنای چندان پیچیده‌ای باشیم، زیرا انسان همه چیز را با معنای نمادین تجربه نمی‌کند بلکه با وجه تزیینی نیز تجربه می‌کند. کتابک به این موضوع اشاره کرده است که انسان‌ها معانی و ارزش‌های خاص خودشان را به متن‌ها و فرآورده‌هایی که دریافت می‌کنند، نسبت می‌دهند و آن معانی برآمده از تجربه‌ها و بافت فرهنگی آنهاست؛ گرچه، ورود برخی از عناصر نیز از فرهنگ‌های دیگر اتفاق افتاده که آنها نیز در فرهنگ محلی تعدیل می‌شوند (کتابک، ۱۳۸۶: ۸۲۳). تزیینات به کاررفته در میان اقوام قیابیل سراسر دنیا ارزش مشخصی دارند، در واقع با معنی هستند و در این صورت قابل تفسیر نیز (بوآس، ۱۳۹۱: ۱۵۹). همچنین هر کنش در جامعه دارای لایه‌های معنایی است.



تصویر ۳. a: نقش انتزاعی معروف به نقش تریبال، b: نقش ماهی، c: نقش بال پرنده (www.alrml.net; www.trendhunter.com)



تصویر ۴. a: بزرگ‌نمایی بخشی از نقش بال پرنده، b: نقش انتزاعی - تریبال (www.alrml.net; www.trendhunter.com)



تصویر ۵. طرح حاشیه‌ای در نقش پروانه (www.bodygrafixtattoo.com)

آفرینش خدایان را تشکیل می‌دهد و در خود همان تقدسی را می‌یابد که در کیهان تشخیص می‌دهد، پس می‌توان گفت که انسان همواره در پی یکی کردن خود با کیهان، دستاویزهایی داشته است؛ گاه با برگزاری جشن‌های آیینی و بازآفرینی زمان و گاه از رهگذر ایجاد نقوش و یا نمادپردازی آنها در ارتباط با بدن خود (Eliade, 1956: 62-91). بنابراین شاید بتوان کنش انسان را در ایجاد نقوشی که منشا آسمانی دارند چون خورشید و ستارگان و صورفلکی و نشانه‌هایی که برای ماه‌های مختلف یک سال در نظر گرفته‌اند، تا حدودی توجیه کرد. بنابراین اگر تاتو را هنر اجرا در نظر بگیریم، با نگاه به آن، اثری را می‌بینیم که به آرامی در حال تجزیه شدن است و خاصه ما را به اندیشه درباره زندگی و اجرا و مرگ خود وامی‌دارد. در تمدن امروزی با مواردی مواجه می‌شویم که رنگ یا شکل طرح، صرف نظر از ارزش شکلی‌شان، مفهوم نمادین دارند. از بارزترین آنها می‌توان به پرچم ملی کشورها اشاره نمود. تصویر پرچم نه فقط تزئینی است بلکه از جذابیت‌های احساسی نیز برخوردار است و این یعنی ارزشی که این پدیده فقط پدیده‌ای بصری نیست.

برای اینکه شرایطی فراهم شود که تفسیر تزئین و معنی آن تأثیرگذار باشد؛ باید، موردقبول همه واقع شود و همه اهالی دهکده یا گروه بی‌هیچ شکی آن را بپذیرند. این موارد بسیار نادر است و بیشتر مواقع، نظرات درباره مفهوم نمادهای مختلف تردیدآمیزند. شخصی می‌تواند مفهوم شکل خاصی را به گونه‌ای تفسیر کند که با تفسیر شخص دیگر کاملاً متفاوت باشد (بوآس، ۱۳۹۱: ۱۷۷). این تفاوت‌های معنایی نه تنها در طول زمان اتفاق می‌افتد بلکه گاه در یک دوره زمانی ولی در مکان‌های مختلف، متفاوت تفسیر می‌شود و در جوامع متمدن امروزی گاه از فردی به فرد دیگر متفاوت تفسیر خواهد شد. به گفته بوآس، یک نقش می‌تواند در یک فرد ارزش محسوب شود و باعث غلیان احساسات شود، ولی همان نقش با برداشتی متفاوت برای قبیله‌ای دیگر نمادی است که هیچ ارزش احساسی را دربر ندارد (همان).

برای مثال از نقوش تزئینی که بیش از سایر نقوش‌ها در میان خانم‌ها جلب توجه می‌کند، پروانه است. به گفته کسانی

این سطوح معنایی قابلیت بازیابی و تا اندازه‌ای بازسازی دارند ولی بی‌معنایی وجود ندارد، حتی اگر ما قادر به درک معنای رفتاری نشویم. بنابراین می‌توان گفت که در این گونه آثار ایده‌ای وجود دارد که یا تزئینی است و یا نمادین.

با وجود آنکه برخی از آثار هنری چون مجسمه‌های یخی و موسیقی در مقطعی از زمان تجربه زیبایی‌شناسانه به ما می‌دهند، تاتو تا زمان مرگ همراه فرد است. بنابر این هنر جای گرفته بر تن فرد برای او بسیار معنادار خواهد بود (Arp, 2012:36). تاتو با تغییرات بدن فرد همراه است. با افزایش سن فرد تاتو نیز فرسوده و پوسیده می‌شود و هنگامی که فرد می‌میرد، نقش تاتوشده نیز زوال می‌یابد. تاتو در بیشتر موارد یکپارچگی و هماهنگی بصری و زیباشناختی را به نمایش می‌گذارد و این، همان چیزی است که موردنظر فرمالیست‌هاست و همچنین، محتوای احساسی هنرمند، بوم خود (بدن فرد) و یا هر دو را بیان می‌کند و همچون پیمانی انکارناشدنی تا زمان مرگ همراه فرد است. ارب، تاتو را هنری با معنا می‌داند چرا که در آن یکپارچگی تصویر و معنای تصویر و اجرای جدانشدنی آن از زندگی و مرگ بوم خودش را می‌بینیم. بنابراین تاتو لایه‌های معنایی لازم را برای آنچه ما هنر می‌نامیم، به همراه دارد (Ibid: 37).

در میان نقوش تاتو شده بر بدن انسان، نقوش‌هایی وجود دارد که به راحتی قابل تشخیص هستند، مانند تصاویر کامل حیواناتی چون عقاب، سر حیواناتی چون شیر، پروانه، ماهی، عقرب و غیره. در اکثر این نقوش عقاب با بال‌های گشوده و از رو به رو نشان داده شده است. در جامعه معاصر ایران از نقوشی که به صورت کاملاً مشخص نشان داده می‌شود نقش فروهر است که معنای نمادین آن برای فرد مشخص باشد یا نباشد در اکثر نمونه‌ها بر سینه یا پشت گردن افراد به کار می‌رود و گاه سر عقاب جانشین عنصر میانی آن می‌شود. هم چنین این نقش در بعضی مواقع به صورت کاملاً هندسی و نمادین به کار می‌رود.

بوم هنرمند تاتو در این هنر، بدن انسان است. اگر مطابق با گفته‌های الیاده بپذیریم که انسان در مرحله معینی از فرهنگ، خود را کیهان خرد، جهان صغیر، تصور می‌کند که بخشی از

که این نقش را بر بدن خود دارند و کسانی که هنرمند این کار به شمار می‌روند، موقعیت این نقش بر بدن انسان در تفسیر مفهوم آن مؤثر است. فردی درباره نقش پروانه بر میج پای خود این‌گونه توضیح می‌دهد: «نقش پروانه‌ای که بر پای راست من تاتو شده است نشانه پاک‌دامنی و صداقت است. این حشره، حشره‌ای زیباست و نوع حیات او از آنجاکه برای تبدیل به پروانه شدن پيله‌ای به دور خود در شرایطی که تنه‌است می‌پیچد، نشانه حیات پاک اوست». خانم دیگری در این باره می‌گوید: «وجود نقش پروانه بر روی شکم او سبب جلب رضایت شرکای جنسی او شده است».

این که تفسیر یک نقش می‌تواند چنین تنوعی داشته باشد، یا برعکس شکل‌های مختلف می‌توانند تعاریف مشابهی داشته باشد، نشان می‌دهد که معانی مورد استفاده برای توصیف نقش‌ها را نباید با نامی ساده در نظر گرفت، بلکه همبستگی مشخصی بین شکل هنری رایج و تعدادی از تفکرات وجود دارد. تفکراتی که مطابق با استفاده قبلیه یا حتی طبق علاقه زودگذر شخص مفسر به وجود آمده است (بوآس، ۱۳۹۱: ۱۸۰). زن با بدن تاتو شده زیبایی را بر بدن خود بازتعریف می‌کند، اما متأسفانه این نمادپردازی‌های شخصی و ذوق فردی ارزش اندکی در برابر ذوق جهان‌شمول در فلسفه سنتی دارد (Atrp, 2012: 61). فردی که خود هنرمند تاتو است، در توصیف این نقش می‌گوید: «اگر نقش پروانه بر روی کمر (قسمت انحنای ستون مهره‌ها) یا بر پشت شانه‌ها تاتو شده باشد، نشانه تمایلات جنسی بالای فرد است و جذابیت جنسی را افزایش می‌دهد. در ادامه با مکشی طولانی می‌گوید که درباره معنای همین نقش بر روی ساعد دست یا بازو گرچه با مهارت کامل آن را اجرا می‌کنم چیزی نمی‌دانم».

بوآس تحولات درونی پدیده‌ها را به‌مثابه فرایندهای پویای فرهنگ در نظر می‌گیرد و می‌پذیرد که عناصر مشابه ممکن است به‌دفعات در فرهنگ‌های مختلف ابداع شده باشند (ریویر، ۱۳۷۹: ۶۳ و ۶۴). به نظر می‌رسد که هنرمند در برخی موارد تنها قادر است آن نقش را به‌کار ببرد و منطق خاصی برای فهم آن ندارد. به گفته بوآس انسان‌ها گاه قادر به توضیح معنا نیستند و یا نمی‌دانند، اما می‌توانند به‌کار ببرند. گاهی نیز توصیفات و معنای هر نقش به‌وسیله هنرمند تاتو که خود تعریف دقیقی برای نقش ندارد، به درخواست‌کننده تاتو داده می‌شود.

بوآس در بررسی‌های خود به این نکته اشاره می‌کند که به نقش هنرمند (صنعتگر) تنها در زمانی توجه می‌کنیم که معضلی در کارش رخ داده است، به‌طوری که رفتار او باعث می‌شود سرنوشت نقوش تزئینی را بهتر بفهمیم. اما در این

وضعیت مشکلات خاصی نیز وجود دارد، زیرا جریان‌های ذهنی‌ای که در خلاقیت هنری نقش دارند در باطن به‌وضوح قابل‌رویت نیستند. در واقع، اعلاترین نوع تولیدات هنری بی‌آنکه هنرمند خلاق آن بگوید از کجا آمده، پدیدار می‌شوند (بوآس، ۱۳۹۱: ۲۴۵). گرچه گاه فشارهای فرهنگی و فقدان ابزار در این میان، خلاقیت هنرمند را محدود می‌کنند و اگر بخواهیم به موضوع با دید مثبت‌تری بنگریم، سبب شکوفایی ایده‌هایی چه‌بسا خلاقانه‌تر می‌شوند و تولید معنایی جدید با تفسیری برآمده از ذهن هنرمند می‌شوند.

تاتو کردن در ساختار فرهنگی و اجتماعی

تصویر ما از بدن خود، این که چگونه بدن خود را درک می‌کنیم بر روابط اجتماعی ما، توانایی ما در رابطه برقرار کردن با دیگران تأثیر می‌گذارد (ابادری، ۱۳۸۷: ۳). تاتو کردن از جمله تغییرات همیشگی است که شامل نظام‌های پیچیده معناداری در ساختار فرهنگی اجتماعی امروزه و در پی‌گیری این رفتار و کنش در بافت گذشته می‌باشد. در بین اقوام ابتدایی، تصاویر و نقوشی که برای خالکوبی انتخاب می‌شدند، خلاصه و پرمعنا بوده‌اند؛ این نقوش گاه به طبقه خانوادگی و افتخارات افراد اشاره داشته است. امروزه به‌ندرت این نمونه‌ها وجود دارند. فردی که هنرمند تاتو محسوب می‌شود، در این باره چنین می‌گوید: «در میان افراد مراجعه‌کننده، نوجوانی پانزده ساله برای تاتو پیش من آمد. من از تاتو بر بدن او خودداری کردم و گفتم که برای افراد بالاتر از بیست سال این کار را انجام می‌دهم. باردیگر نوجوان به همراه پدرش مراجعه کرد. پدر او اکنون دارای شغلی دولتی است و در توضیح به من این‌گونه گفت: که نقشی را که او و پدرش بر بازو دارند را بر بازوی پسرش که در آن سال پانزده ساله شده تاتو کنم».

باتوجه به گفته‌های فرد تاتوکار، در دوره معاصر نیز افراد با گرایشات خانوادگی خاص هنوز هم برای تاتو کردن مراجعه می‌کنند. نکته دیگر این‌که شغل دولتی پدر باعث شده تا او داشتن تاتو بر بدن خود را پنهان کند؛ با این‌وجود بازم برای تاتو کردن بدن فرزند خود او را همراهی می‌کند. علاوه‌براین، سندرس نیز در تحقیقات خود اشاره نموده است، افرادی که امروزه بر روی بدن خود تاتو می‌کنند از اقشار متوسط و بالا و ثروتمند و تحصیل‌کرده جامعه هستند و اغلب شغل‌های مدیریتی و حرفه‌ای دارند (Sanderson, 1989: 153).

از دیگر کارکردهای تاتو، معنای جادو و حمایت‌کننده است که در میان مردم قبایل ابتدایی رواج داشته است. معنایی که امروزه افراد به‌ویژه در اجتماعات و گروه‌های متمدن‌تر از بیان آن پرهیز می‌کنند و یا آن را شانس می‌خوانند و معتقد

زنان و مردان طرح‌های متفاوتی را برای تاتو انتخاب می‌کنند، نه فقط طرح‌ها بلکه ناحیه‌ای از بدن که زنان و مردان برای این کار در نظر می‌گیرند نیز متفاوت است. مادامی که مردان به‌طور معمول تاتو را بر دست و بازوان خود می‌زنند، زنان این طرح‌ها را بر سینه و شکم و پشت و شانه و استخوان لگن به کار می‌برند. به نظر می‌رسد این تأکید بر وجه تزئینی توسط زنان است که قبلاً هم به آن اشاره شد. این تفاوت‌ها در انتخاب ناحیه مورد نظر بدن به تفاوت در کارکرد آنها باز می‌گردد. مردها به‌طور معمول تاتو را نمادی عمومی که با آن هویت خود را در تعاملات اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهند، به کار می‌برند و از سوی دیگر زنان درک غیرآیینی را در نظر دارند. تاتو برای زنان به‌عنوان تزئینات شخصی به کار می‌رود و شاید نقطه مثبتی در تعاملات اجتماعی آنها به‌شمار نرود. فردی از بین مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره می‌کند که: «در محل کار خود نباید کسی را از وجود این نقوش بر بدن خود آگاه کنم زیرا موقعیت شغلی‌ام به خطر می‌افتد. از طرفی از ورود من به بسیاری از مکان‌های عمومی چون برخی استخرها جلوگیری می‌شود و علاوه بر اینها بسیاری از افراد به من به‌عنوان فردی ناپه‌نجان در جامعه نگاه می‌کنند». این تزئینات شخصی در اجتماع سبب افزایش معنای بدن برای لذت شخصی و اطرافیان نزدیک آنهاست. از طرف دیگر زنان طرح‌های متنوع‌تری را نسبت به مردان انتخاب می‌کنند. تصاویر کارتونی نشانه‌های مرگ چون اسکلت، نقوش انتزاعی که اغلب به تریبال مشهورند و تصویهای وحشتناک بیشتر توسط مردان انتخاب می‌شود. زنان اگر عضو گروه خاصی نباشند یا گرایش به آیین خاصی نداشته باشند، به تصاویر گل، پروانه، جانوران اسطوره‌ای، پرندگان رنگارنگ چون طاووس و نماد ماه تولد ستاره و اجرام آسمانی و گاه اسم افراد و نزدیکانشان علاقه دارند. بنابر آنچه بیان شد، وجود این نقوش‌ها بر بدن افراد با لذت و ناخوشی توأمان است. از سوی دیگر تصویر ذهنی ما از بدن خود از زمینه‌های فرهنگی تأثیر می‌پذیرد و بر روابط اجتماعی ما تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین تاتو با تأثیر بر تصویری که فرد از بدن خود دارد، می‌تواند بر احساس اعتماد به نفس و موقعیت‌های اجتماعی و ماهیت روابط اجتماعی تأثیرگذار باشد. تاتو علی‌رغم برخی ناهنجاری‌های اجتماعی، بسیاری ویژگی‌ها را به نمایش می‌گذارد که رفتارها و کنش‌های فرهنگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هنری معنادار به‌شمار می‌رود.

هستند این نقوش برای آنها خوش‌شانسی و خوش‌اقبالی به همراه دارد. گرچه در اسلام تاتو بی‌حرمتی به خلق الهی تعریف شده است؛ اما امروزه در دوره معاصر در ایران اسلامی همان‌گونه که در گذشته در میان مردم ابتدایی مسلمان چون مسلمانان قبیله‌های یمنی رایج بوده که لب و چانه خود را خالکوبی می‌کردند، بیشتر افرادی که در بین مصاحبه‌شوندگان این پژوهش بودند، دین اسلام داشتند. این مطلب با توجه به این که کشور ایران کشوری اسلامی است طبیعی می‌نماید، ولی نکته قابل تأمل این است که تأثیر دیگر شرایط اجتماعی بر دین این افراد، پیشی گرفته است. معنای کارکردهای این نقوش در دوره جدید با اقوام گذشته تفاوت‌هایی دارد؛ در گذشته این خالکوبی‌ها محافظ بدن در برابر چشم‌زخم، رفع نازایی، درمان بیماری‌های جنسی و حفظ سلامت بدن بوده‌اند ولی امروزه افزایش زیبایی و خوش‌شانسی از مهم‌ترین کارکردهای خالکوبی است (ibid: 145).

همچنین به کارگیری فعالیت‌های دریافتی یک کنشگر در زندگی به خود، حاصل فرایندی از شرطی‌شدن اجتماعی است (لوبروتون، ۱۳۹۲: ۸۳). امروزه تاتو کردن بین ورزشکاران و جوانانی که ساعتی از روز را در باشگاه‌های ورزشی می‌گذرانند به دلیل تأثیرپذیری از گروه دوستان خود، رواج بسیاری یافته است. گلاس‌نر نیز با اشاره به رشد فرهنگ مصرفی در جامعه معاصر به توجیه رابطه بدن و مصرف رو به رشد شگفت‌انگیز کالاها و خدمات تجاری توسط کسانی که می‌خواهند بدن خوش ترکیب داشته باشند، جوانی خود را حفظ کنند یا مراقب بدن‌های خود باشد، پرداخته است (اباذری، ۱۳۸۷: ۵). بسیاری مواقع، لذتی که وجود این نقوش بر تن ایجاد می‌کند به‌صورت اجتماعی به دست می‌آید و تاتو می‌تواند مدلولی در رابطه منطقی با رشد فرهنگ مصرفی در جامعه معاصر تلقی شود. همچنین تاتو یکی از راه‌های ایجاد نمادهای فرقه‌ای در جامعه ما شناخته شده است؛ همچون فرقه‌های شیطان‌پرستی و طرفداران گروه‌ها و خوانندگان غربی چون متال. سندرس نیز به این موضوع اشاره کرده است که برای علاقه‌مندان به تاتو بیشترین جاذبه از نشانه‌های نمادین گروه‌های خاص می‌آید؛ گرچه، این نشانه‌ها در فرهنگ جدید شاید از معنای خود به دور باشند. ریویر (۱۹۹۵) نیز درباره اشیا وام‌گرفته شده از فرهنگ‌های مختلف گفته است که این اشیا ممکن است معنای آغازین خود را از دست داده باشند (ریویر، ۱۳۷۹: ۶۷). بنابراین باید در نظر داشت که انتقال یک عنصر فرهنگی از جامعه‌ای به جامعه دیگر همواره با کاهش و افزایش، تغییرات و شکل‌گیری‌های جدید همراه است. درباره تاتو در ساختار فرهنگی جامعه می‌توان گفت که

نتیجه گیری

در بخش تاتو و هنر دیده شد که نظریه‌های مختلف هنری پایه‌های اصولی و دقیقی را مبنای تعاریف خود از هنر قرار داده‌اند که تاتو از برخی ویژگی‌های ترکیبی این نظریه‌ها برخوردار است و بعضی از این ویژگی‌های هنری در آن برجسته‌تر می‌نماید. همچنین بر پایه مشخصه‌های زیبایی‌شناختی که مبنای اصلی قدیمی‌ترین هنرهاست چون نظم، تقارن و آهنگ، در این پژوهش دیده شد که نظم چه در طرح‌های واقع‌گرایانه و چه در طرح‌های هندسی و انتزاعی جزء جدانشدنی آن چیزی است که بازتاب آن ایجاد لذت می‌کند. در نمونه‌ای از نقوش انتزاعی تصویر (4.b)، گرچه معنای دقیق شکل را در نمی‌یابیم ولی آنچه برای بیننده ایجاد لذت می‌کند مهارت به کاررفته در ایجاد نقوش دارای نظم و هماهنگی است. از سوی دیگر، تقارن بیشتر حول محور عمودی نمایش داده شده و تکرار آهنگین نقوش بیشتر در ردیف‌های افقی شکل می‌گیرد. در دو مورد اخیر نیز، هرچه مهارت هنرمند بیشتر باشد نقوش پیچیده‌تر و زیباتری در تاتو ظاهر خواهد شد.

در نمونه‌ها و مشاهدات این پژوهش، هم از محصولات هنری که دارای اصالت واقع‌گرایانه هستند و هم از نمونه‌های هندسی سخن به میان آمد؛ و بر این اساس نمایش ویژگی‌های واقع‌گرایانه، به دلیل برخورداری از ویژگی‌های سه‌بعدی، بر روی سطح بدن و به صورت دوبعدی بسیار پیچیده‌تر است. شایان ذکر است، اشکال هندسی گاه یادآور همان نقوش واقعی است (مقایسه تصویرهای 3.a و 3.c) و هنرمند برای بیان موضوع گاه تنها کیفیات اساسی را حفظ کرده است؛ گرچه، نمی‌توان این تقلیل کیفیات صوری را به دلیل نادیده‌انگاشتن وجه نمادین تصاویر دانست، اما در مواردی تغییرات ایجاد شده، امکان تفسیرهای جدیدی را فراهم می‌کند. نکته قابل توجه دیگر آن است که در مواردی که ویژگی‌های تزئینی نقوش مدنظر است، برتری با شکل‌های انتزاعی، هندسی و یا صنعتی است. نیز در مواردی که نقش‌ها ریشه‌های فرهنگی و نمادین دقیق‌تری دارند، گرچه شکل در جامعه امروز کارکرد خود را از دست داده باشد مانند نقش فروهر، اما خلاقیت هنرمند به نقش مایه اصلی محدود خواهد بود.

از سوی دیگر، از جوهی که در این هنر برجسته‌کننده ویژگی بیانی (اکسپرسیونیستی) تاتو است، این است که نقوش تاتو در کمترین موارد از دید فردی که این نقش‌ها را بر تن دارد، معنایی را به همراه دارد که ارزش احساسی به آنها می‌بخشد. ارزشی که صرفاً به زیبایی شکل مربوط نیست، هر چند دیگران درک عمیقی از این مفاهیم نداشته باشند. بواسطه در پژوهش‌های خود به این موضوع اشاره کرده بود که هرچه رابطه میان شکل و اندیشه فرد عمیق‌تر باشد به همان اندازه، ویژگی اکسپرسیونیستی اثر هنری شفاف‌تر خواهد شد.

بنابر ملاحظات این پژوهش، تعریف و تفسیر نقوش تاتو دارای تفاوت‌های فردی، تاریخی و فرهنگی است که هم‌سو با سبک و سیاق ویژه آن جامعه است و این ارتباط فرهنگی در نقوش واقع‌گرایانه برجسته‌تر است، در حالی که الگوهای استاندارد و هندسی و یا صنعتی، تفسیرهای فردی بیشتری را به همراه دارند. همچنین شرایط اجتماعی و زیربنایی، اعتقادی، احساسی و فعالیت‌های اجتماعی اهمیت ثابت و پایداری در ایجاد ویژگی‌های سبکی خاص و محدودیت‌های ویژه فرهنگی در این پدیده هنری دارند.

برای جمع‌بندی آنچه در این پژوهش انجام شد، می‌توان گفت که تاتو از یک‌سو، به‌عنوان هنری که از قدیم تا امروز بین مردم رواج داشته، حاصل در کنار هم قرار گرفتن تمایلات فردی که می‌خواهد بدن خود را تاتو کند، ابزار و تکنیک و مهارت هنرمند آن است. گرچه مرزهای کارکردهای این هنر از دوران گذشته تاکنون بسیار متغیر بوده است، اما همواره برای انجام آن، علتی و برای نقوش آن، معنایی وجود دارد که در سطح نمادین و زیباشناختی قابل بررسی است. از سوی دیگر، در جامعه معاصر ما افراد با گرایش‌های آیینی، فرقه‌ای، زیبایی و ایجاد لذت و ... به صورت فردی یا بر اثر عضویت در زیرگروه‌های خاص اجتماعی به این تغییر همیشگی بدن روی آورده‌اند. گرچه امکان پشیمانی برای آنها وجود دارد و احساس رضایت همیشگی نیست. لذت حاصل در این هنر حتی برای کسانی که تمایل به این هنر ندارند از طریق برانگیختن حس زیبایی‌شناسی است که آن نیز در گروه مهارت هنرمند تاتو کار و به یاری فناوری نوین امکان‌پذیر شده است. این نقوش حتی اگر در ظاهر هم شباهتی با نقوش مورد توجه مردم ابتدایی داشته باشند، ممکن است همان معنا را حفظ نکرده باشد؛ چراکه ساختار فرهنگی و اجتماعی سبب بروز معناهای جدیدی شده است. بنابراین نقوش تاتو و ایجاد آنها بر بدن ضمن دارا بودن ارزش زیبایی‌شناختی در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای چون ایران دارای معنای نمادین و سبک ویژه است که برآمده و گاه محدود شده به وسیله تمایلات فردی و ارتباط‌های اجتماعی است. در این پژوهش کوشیده شد تا با به کارگیری روش‌ها و نظریات فرانتس بواسطه بررسی الگوهای زیبایی و پس از آن بررسی معنایی نقوش تاتو در ارتباط با بافت و ساختار اجتماعی معاصر بپردازیم.



1. Body Modification, Body Alternation
2. Tattoo
3. to Mark
4. tato
5. drum
6. toptoe
7. tatau
8. Boas, Franz (1858- 1942)
9. see: Tattoo Bible, Insider secrets to awesome looking and everlasting tattoos, see e-book on <http://www.cooltattoodesign.com>.
10. Cuyper, Perez-Cotaps, Dermatologic Comlications with Body Art: Tattoos, Piercings and Permanent Make.
11. Sanders, Customizing the Body (the Art and Culture of tattooing)
12. Sanders, Memorial decoration: Women, tattooing, and the meanings of body alteration
13. borneo
14. OTSI Ice Man
15. Amunet
16. Dirty works
17. Irezumi
18. Tom Leppard
19. Art World Theory
20. Formalism
21. Expressionism
22. Performance Art

منابع و مأخذ

- ابادری، یوسف و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات، پژوهش زنان. ۶ (۴)، ۱۶۰-۱۲۷.
- بوآس، فرانتس (۱۳۹۱). مردم‌شناسی هنر (هنر ابتدایی). ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران: نشر گل آذین.
- جل، آلفرد (۱۳۹۰). هنر و عاملیت: به سوی نظریه جدید انسان‌شناختی. ترجمه احمد صبوری، تهران: فرهنگستان هنر.
- ریویر، کلود (۱۳۷۹). درآمدی بر انسان‌شناسی. ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نی.
- سامانی اسلامی، افشین (۱۳۸۹). خالکوبی یا تاتو (tattoo). <http://iranlegalmedicine.blogfa.com/> (بازیابی شده در: ۱۱ آبان ۱۳۹۲)
- کتاک، کنراد فلیپ (۱۳۸۶). انسان‌شناسی، کشف تفاوت‌های انسانی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: گل آذین.
- لوبروتون، داوید (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی بدن. ترجمه ناصر فکوهی، تهران: ثالث.
- Arp, R. (2012). **Tattoos-Philosophy for Everyone: I Ink, Therefore I Am.** UK: Wiley-blackwell.
- Cuyper, C. & Perez-Cotaps M. L. (2010). *Dermatologic Complications with Body Art: Tattoos, Piercings and Permanent Make up.* London: springer.
- Eliade, M. (1956). **The Sacred and the Profane.** New York: Harvest Book.
- Parry, A. (2006). **Tattoo: Secrets of a Strange Art.** New York: Dover Publications.
- Sanders, C. R. & Vail D. A. (1989). **Customizing the Body** (the Art and Culture of Tattooing). Philadelphia: Temple University Press.
- Sanders, C. R. (1991). **Memorial Decoration: Women, Tattooing, and the Meanings of Body Alteration.** Michigan quarterly review, 30(1), 146-157.

Received: 2015/05/07

Accepted: 2016/04/27



An Investigation of “Tattoo” as an Art in the Contemporary Culture and Society

Arefe Sarami*

Abstract

Body painting has been practiced in the wide variety of cultures which includes Tattooing, Marking, and Ink Painting. In this study, we have explored whether tattoos should be counted as art and if they should, their aesthetic characteristics have been extracted based on the Franz Boas analytical method in anthropology of art.

In this study, we attempted to investigate two issues about tattooing: 1) How the common aesthetic characteristics in art theories could be understood in tattoo as an artwork, And 2) According to the fact that, in addition to the aesthetic features, tattoo is also associated with social and cultural dependencies, we sociologically attempted to look for the tattoo's functions in the contemporary social and cultural structures. Furthermore, considering the similar features of tattooing art in the world, the cultural style of this art has been studied in our society. According to the observations in this study, tattoo not only has aesthetic value in a cultural context, but also has symbolic meaning which influences and is influenced by individual and social leaning.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Keywords: Tattooing/ Marking, Anthropology of art, Aesthetic value, Symbolic meaning, Historical and cultural context.

*MA in Islamic Art, Faculty of Religions and Civilizations Art, Isfahan Art University.